

نقش نهادهای مردمی و دولتی در مشارکت جوامع محلی برای حفاظت از تالاب کانی برازان

چکیده

کانی برازان از تالاب‌های اقماری دریاچه ارومیه، واقع در ۳۰ کیلومتری شمال مهاباد می‌باشد که شکار و صید بی‌رویه، تعلیف احشام، کمبود آب و آلودگی‌های کشاورزی از جمله تهدیدات اصلی آن می‌باشند. از سوی دیگر زیبایی خاص منطقه، به کانی‌برازان پتانسیل گردشگری خوبی داده است. کاهش تهدیدات و استفاده از فرصت‌ها تنها با مشارکت جامعه محلی ممکن است، بنابراین هدف پژوهش حاضر بررسی نقش نهادهای مردمی و دولتی در مشارکت جوامع محلی برای حفاظت از تالاب کانی برازان می‌باشد که در سال ۱۳۹۱ انجام گرفته است. جامعه آماری ۲۳۲۰ نفر از اهالی دو روستای اطراف تالاب می‌باشند. حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان ۳۳۰ نفر به دست آمد. پژوهش حاضر از نوع توصیفی‌طلوب آن می‌باشد. بعد از کمی‌سازی داده‌ها به روش وزن دهی، برای تعیین میزان ارتباط متغیرهای پژوهش از همبستگی پیرسون و ضرایب رگرسیونی در سطوح معنی داری ۰/۰۵ استفاده شد. نتایج نشان داد که ارتباط مستقیم و مثبتی بین متغیر مستقل فعالیت نهادهای مردمی و دولتی با متغیر وابسته مشارکت وجود دارد و ضریب همبستگی پیرسون متغیر نهادهای مردمی و دولتی با مشارکت برابر ۰/۲۵ می‌باشد.

واژگان کلیدی: مشارکت، جوامع محلی، حفاظت، تالاب، کانی‌برازان.

مسعود عبدالهرش^{۱*}

سیدمحمد شبیری^۲

فهیمة السادات حقیقی^۳

۱. دانشگاه پیام نور، واحد ری، دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش محیط زیست، تهران، ایران.
۲. دانشگاه پیام نور، واحد ری، دانشیار آموزش محیط زیست، تهران، ایران.
۳. دانشگاه پیام نور، مرکز تحصیلات تکمیلی، پژوهشگر دکتری برنامه‌ریزی آموزش از دور، تهران، ایران.

* نویسنده مسئول مکاتبات

masuodrash@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۶/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۹/۲

کد مقاله: ۱۳۹۱۳۱۰۲۱

این مقاله برگرفته از پایان نامه دانشجویی می‌باشد.

مقدمه

تالاب‌ها که زمانی بهترین تفرجگاه‌های ایران به شمار می‌رفتند، در اثر مدیریت غیرکارا، تغییر زمین‌های اطراف، سدسازی، صید و شکار غیرقانونی، صدور مجوزهای بیش از حد توان تحمل، کم آبی، خشک‌سالی و... بسیاری از آن‌ها امروزه خشک شده و از بین رفته‌اند (بهروزی راد، ۱۳۹۰). عوامل تهدیدزایی که بر تالاب‌های کشور روبه‌روز در حال تزايدند جز با مشارکت جوامع محلی اطراف تالاب‌ها، تقلیل نخواهند یافت. از سویی بر همگان مبرهن است که حفاظت‌های دولتی نیز جز با هم‌سویی جوامع محلی راه به جایی نخواهند برد. کانی‌برازان بیست و چهارمین تالاب بین‌المللی کشور است که در تاریخ ۲۰۱۱/۰۱/۱۷ به عنوان تالاب شماره ۱۹۴۰ به ثبت کنوانسیون جهانی رامسر رسید. بررسی‌ها نشان از وجود، ۴۵ گونه گیاه از ۳۵ جنس و ۱۷ خانواده دارند که بیش‌ترین آن‌ها از خانواده اسفناج (*Chenopodiaceae*) با ۲۶٪ فراوانی و گندمیان (*Graminae*) با ۱۷٪ فراوانی می‌باشند، در بین مهره‌داران نوعی قورباغه، مارهای آبی، نوعی خرچنگ، چند نوع ماهی، لاک‌پشت‌های خزری و گونه‌هایی از جوندگان، خرگوش، روباه، شغال، گرگ و گراز از پستانداران این تالاب هستند (بهروزی راد، ۱۳۸۷؛ وزارت نیرو، ۱۳۸۴؛ سازمان محیط‌زیست، ۱۳۸۷). مشخصه اصلی این تالاب تنوع زیاد پرندگان است، ۱۸۰ گونه پرنده که ۷۵ گونه‌ی آن‌ها آبی هستند، همراه جامعه گیاهی متنوع، کانی‌برازان را به پتانسیل گردشگری منطقه تبدیل کرده و آن را زمیندهی وصف بهشت پرندگان ایرانی نمودهاست. این تالاب به دلیل موقعیت خاص توپوگرافی و نیزارهای متراکم، پذیرای پرندگان آبی و کنار آبی زیادی از جمله گونه‌ی در خطر انقراض اردک سر سفید و گونه‌های حمایت‌شده اردک مرمری، پلیکان، قو، فلامینگو، حواصیل، عقاب تالابی و دو گونه در معرض تهدید اردک بلوطی و باکلان کوچک همراه با سایر پرندگان نظیر انواع غاز، مرغابی، آنقوت و غیره می‌باشد. شرایط زیستی مناسب، وجود غذای فراوان و پناهگاه امن باعث شده که در فصل مهاجرت (آبان تا بهمن) تعداد پرندگان بالغ بر ۳۸۰۰۰ قطعه باشند که از حداقل ۲۰۰۰۰ قطعه برای ارزشمند بودن تالاب در کنوانسیون رامسر بسیار بیشتر هستند (سازمان محیط‌زیست، ۱۳۸۷؛ وزارت

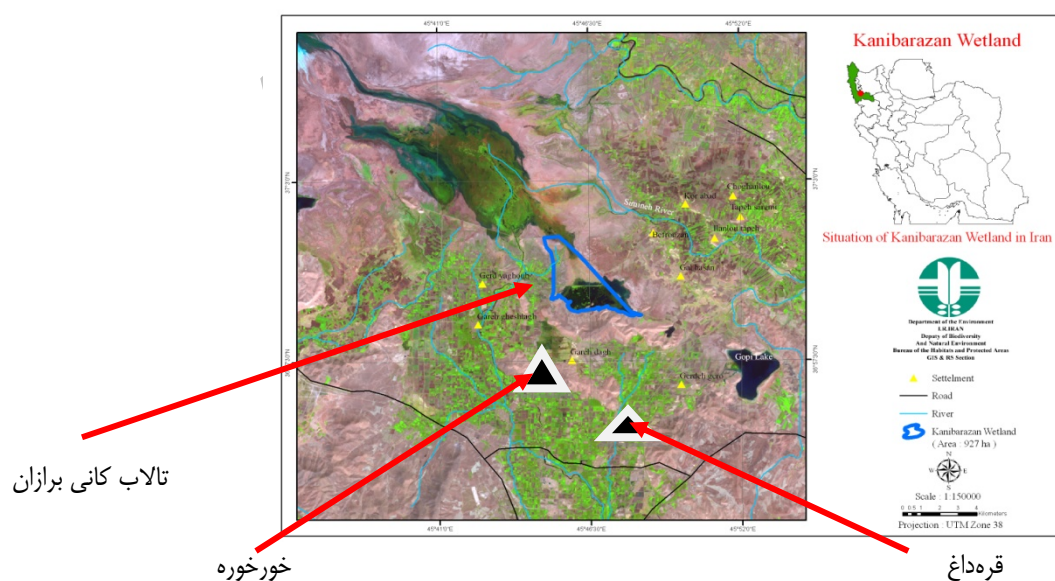
نیرو، ۱۳۸۴). شرایط بحرانی حوضه آبریز دریاچه ارومیه و تالاب‌های اقماری آن، به ویژه تالاب کانی‌برازان، مشارکت جامعه محلی در برنامه‌ریزی و مدیریت همه‌جانبه را می‌طلبد، بدون شناخت نیازها و اولویت‌های جامعه محلی، برنامه‌های اجرایی با شکست روبرو خواهند شد، از دیگر سو بدون حمایت اجرایی نهادهای ذی‌ربط، نیازهای جامعه محلی به صورت یک بحران ماندگار در بطن جامعه مزبور ریشه دوانیده، با برهم زدن تعادل زیستی و اجتماعی منطقه باعث تخریب و بهره‌برداری بدون برنامه شده و این نتیجه‌ای جز اتلاف سرمایه‌های ملی و در نهایت مرگ تالاب و به تبع آن مرگ جامعه محلی نخواهد داشت. اگرچه هدف اصلی مناطق حفاظت‌شده حفاظت آب، خاک، نگهداری طبیعت چشم اندازها است ولی بخش ضروری این هدف باید، به رسمیت شناختن دانش عملی، حقوق، شیوه‌های سنتی و ارزش‌های فرهنگی جوامع مناطق حفاظت شده باشد (مجنونیان، ۱۳۸۷). نگاه به مردم به عنوان ابزارهای توسعه نگاهی نادرست می‌باشد که اغلب به سرانجامی مفید نمی‌انجامد، مردم باید به عنوان صاحبان اصلی برنامه‌های حفاظت و توسعه در نظر گرفته شوند و مشارکت آن‌ها در تمام مراحل حفاظت به رسمیت شناخته شود. اگرچه مشارکت فرایند به‌کارگیری توانمندی‌های فردی یا گروهی ذی‌نفعان برای دستیابی به یک هدف گروهی می‌باشد (نوری نشاط، ۱۳۸۹)؛ اما نظر به گستردگی مفهوم مشارکت، و با توجه به تفاوت دیدگاه‌ها، اهداف متفاوتی برای مشارکت منظور شده است. عده‌ای مشارکت را ابزاری برای توسعه و راهی برای کنترل درآوردن منابع اقتصادی و اجتماعی جوامع محلی می‌دانند، در این دیدگاه مشارکت ایده‌ای تزیینی است که از آن به عنوان ابزاری کوتاه مدت برای رسیدن به اهداف توسعه بهره می‌برند و اگر هم دخالتی برای مردم در نظر گرفته شود، محدود به ریش‌سفیدان، متنفذین و شوراها بوده و مشارکت سایر اقشار از زاویه‌ی قانونمند جلوه دادن پروژه‌ها و بسیج آنان به منظور تقلیل هزینه‌های اجرایی واداری یا حمایت سیاسی صورت می‌گیرد. از مردم انتظار نمی‌رود در محتوای برنامه‌ها یا اجرای آن سهمی داشته باشند. اثربخشی این نوع مشارکت نیز غالباً با نتایج مادی پروژه‌ی مورد نظرسنجید شود. اغلب دولت‌ها و مؤسسات توسعه‌ای از این منظر به مشارکت می‌نگرند (ازکیا و ایمانی، ۱۳۸۷؛ غفاری و نیازی، ۱۳۸۶). دیدگاه سازمان حفاظت محیط‌زیست این است که مدیران می‌توانند در فرایند تصمیم‌گیری از نظرات و عقاید عموم مردم، به صورت همیاری برای انجام مشارکت‌های عملی در حفظ محیط‌زیست بهره‌مند شوند (سازمان حفاظت محیط‌زیست، ۱۳۸۷). امروزه مشارکت مردمان محلی فقط از طریق سازمان‌های محلی خود یاری میسر است که هدف آن‌ها پیگیری مقاصد اجتماعی و اقتصادی اعضا باشد، عضویت در این تشکلهای توافقی و اختیاری است، سروری و سیادت در آن‌ها نیز برخلاف تشکلهای اجباری، از اقتدار قانونی منشأ گرفته نه از اقتدار سنتی. فعالیت این تشکل‌ها با فعالیت افراد داوطلب خارج از مجموعه تکمیل می‌شود و افراد در بدهستان آموختن، مهارت و دیدگاه‌های جدید قرار می‌گیرند. با تقویت نهادهای مردمی برای حفاظت از تالاب‌ها می‌توان از پتانسیل دانش محلی به گونه‌ای بهره گرفت که حفاظت و بهره‌برداری پایدار از منابع تالابی توسط جامعه محلی به گونه‌ای انجام گیرد که راه برای اجرای برنامه‌های حفاظتی دولت نیز هموار گردد (زند رضوی، ۱۳۸۹).

عفتی (۱۳۷۱) ضمن بررسی محدودیت‌ها و عوامل مؤثر در مشارکت روستاییان به این نتیجه رسیده است که رابطه مستقیمی بین مشارکت و اعتماد به دولت و مجریان طرح‌ها وجود دارد. سپهرفر (۱۳۷۴) نیز ضمن بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت در احیاء مراتع منطقه پایتخت گلزار شهرستان اندیمشک استان خوزستان به این نتیجه رسیده است که اعتماد بهره‌برداران به مجریان طرح و حمایت دولت باعث افزایش مشارکت بهره‌برداران از مراتع می‌شوند. جمشیدی و همکاران (۱۳۸۸) نیز در تحقیقی ضمن بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت کشاورزان در اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی استان ایلام به این نتیجه رسیده‌اند که رابطه مثبت و معنی‌داری بین اعتماد مالکان به همدیگر و نیز اعتماد آن‌ها به دولت، با میزان مشارکت‌شان در طرح وجود دارد. Olesu و Baidu (۱۹۹۸) در پژوهشی با بررسی مشارکت جوامع محلی در حفاظت از منابع تالابی که به صورت موردی بر حفاظت از لاک‌پشت‌های دریایی غنا متمرکز بودهاست، مشخص کرده‌اند که رویکردهای گذشته حفاظت در این مناطق اغلب باعث ایجاد درگیری بین مأموران دولتی و مردم محلی می‌شده‌است؛ اما به کمک سازمان‌های مردمی حامی محیط‌زیست، تغییر دیدگاه مردم محلی در استفاده خوراکی از لاک‌پشت‌ها و نگاه خصمانه به مأموران دولتی ممکن شد. Shresta (۲۰۱۱) ضمن بررسی مشارکت اجتماعی در حفاظت از تالاب‌های نیال ضمن تأکید بر نقش حیاتی جامعه محلی در حفاظت و بهره‌برداری پایدار از این منابع به این نتیجه می‌رسد که حفاظت جز با هم‌سویی دولت و نهادهای محلی میسر نخواهد شد. همچنین

Jerath و همکاران (۲۰۱۲) در تحقیقی به منظور افزایش مشارکت اجتماعی برای حفاظت از سه تالاب عضو کنوانسیون رامسر در ایالت پنجاب اذعان می‌کنند که اقدامات حفاظتی دولت شامل کنترل بیولوژیکی و مکانیکی ثمر بخش نبوده‌است، بلکه برای موفقیت در بهبود شرایط این تالابها مشارکت مردم محلی و سازمان‌های محلی مرتبط با تالاب ضروری است. وضعیت بحرانی دریاچه ارومیه و تالاب‌های اقماری آن نیازمند مشارکت دولت و جوامع محلی است، اتخاذ رویکردهای جدید قانونی با توجه به نیازها و ظرفیت‌های جوامع محلی، همچنین تلاش برای آموزش جوامع محلی و تشویق نهادهای مردمی، باعث خواهد شد که از روند روبه‌رشد تخریب این تالابها جلوگیری شود. حصول به این اهداف جز در سایه هم‌سویی و مشارکت نهادهای دولتی و مردمی مشکل خواهد بود. به علت تلاقی مراتع و اختلافات ملکی دو روستای حاشیه‌ی کانی‌برازان، حفاظت و بهره‌برداری پایدار از آن به چالشی برای دوست‌داران و دست‌اندرکاران حفاظت از محیط‌زیست تبدیل شده‌است و تاکنون از ظرفیت‌های گردشگری منطقه استفاده‌ی شایسته‌ای نشده‌است. برگزاری مکرر کارگاه‌های آموزشی و مشورتی از سوی نهادهای ذیربط تاکنون توفیق چندانی در ایجاد روحیه مشارکتی بین اهالی نداشته‌است. اگرچه از برنامه‌ریزی و مدیریت مشارکتی با همکاری جوامع محلی می‌توان به عنوان ابزاری برای تحقق اهداف توسعه پایدار تالابها بهره‌گرفت، اما تاکنون از این ابزار برای حفاظت از کانی‌برازان استفاده نشده‌است. وجود ساختمان دوطبقه‌ی پرندنگری با ۱۲۰ مترمربع زیربنا و کمپین‌های گردشگری که از سال ۱۳۸۶ هنوز بلااستفاده مانده‌اند، شاهد این مدعایند. با وجود امکانات سخت افزاری توسعه و حفاظت، به نظر می‌رسد نوعی ناهمسویی و بی‌اعتمادی بین نهادهای مجری و جامعه محلی باعث شده‌است از یک سو این سرمایه‌گذاری را کد و مستهلک گشته واز دیگر سو روند بهره‌برداری بی‌رویه و تخریب تالاب همچنان ادامه یابد، بنابراین پژوهش حاضر به بررسی نقش و جایگاه نهادهای مردمی و دولتی برای مشارکت جوامع محلی در حفاظت از تالاب کانی‌برازان پرداخته‌است. تا معلوم شود که تا چه حد برنامه‌های حفاظتی و توریستی اجرا شده در منطقه بر اساس اعتماد، همکاری و نیاز جامعه محلی بوده‌است و بر این فرضیه استوار است که مشارکت جامعه محلی برای حفاظت از این تالاب با وضعیت نهادهای مردمی و دولتی رابطه مستقیم دارد.

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر در تابستان ۱۳۹۱ در دو روستای قره‌داغ و خورخوره، از توابع شهرستان مهاباد در حاشیه تالاب کانی‌برازان واقع در جنوب دریاچه ارومیه انجام گرفته‌است (شکل ۱).



شکل ۱: موقعیت تالاب و روستاهای حاشیه آن

این پژوهش با روش توصیفی به بررسی وضعیت جامعه محلی اطراف تالاب کانی‌برازان و همبستگی متغیرهای مورد پژوهش پرداخته است و رابطه متغیر مستقل نهادهای مردمی و دولتی را با متغیر وابسته مشارکت مورد بررسی قرار داده است. براساس سرشماری سال ۱۳۹۰ و استعلام از دهیاران دو روستا جمعیت کل دو روستا برابر با ۲۳۲۰ نفر و حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان برابر ۳۳۰ نفر برآورد شده است. با توجه به نوع شغل اهالی دو روستای مورد نظر و نوع آداب و رسوم آن‌ها همچنین تأثیر و تأثر گرفتن اهالی هر دو روستا از تالاب می‌توان گفت جامعه مورد پژوهش ساختاری متجانس دارد لذا روش نمونه‌گیری در این پژوهش نمونه‌گیری تصادفی ساده، ابزار مورد استفاده پرسشنامه محقق ساخته با پاسخ‌های بسته در مقیاس لیکرت بوده است. در این مقیاس طیف گرایش به خدمت‌وسپاس (بی‌نظم) برای پرهیز از پاسخ‌های غیر دقیق حذف شد. گویه‌های پرسشنامه با توجه به مشاهدات و تجربیات حضور در منطقه، مبانی نظری پژوهش و مطالعه مفاهیم اصلی موردسنجش، اسناد، مدارک و پژوهش‌های انجام گرفته‌ی قبلی، شناسایی و استخراج شدند. سنجش متغیر وابسته مشارکت در دو بعد ذهنی و عملی صورت گرفته است. در بعد عملی عضویت افراد در تشکل‌های محلی حفاظت از تالاب، انجام فعالیت‌های پاک‌سازی آن، جلوگیری از صید و شکار و تقلیل فعالیت‌های تخریبی تالاب همانند: تعلیف احشام، ایجاد سروصدا در اطراف آن، حفر غیر مجاز چاه در اطراف آن و... در قالب ۱۰ گویه پرسشنامه مورد نظر بوده است. بعد ذهنی مشارکت به معنای تمایل افراد برای انجام فعالیت‌های گروهی، میزان اعتماد آن‌ها به همدیگر برای حضور در کارجمعی، واقف بودن بر اهمیت مشارکت، آگاهی بر این موضوع که بسیاری از مشکلات را گروهی می‌توان حل کرد و انواع راه‌های مشارکت اهالی در امر حفاظت و... به کمک ۱۰ گویه پرسشنامه مورد سنجش گرفته است؛ بنابراین برای سنجش بعد ذهنی مشارکت، سطح اعتماد اهالی به همدیگر و تمایل آن‌ها برای شرکت در فعالیت‌های حفاظتی تالاب مورد نظر بوده است. سنجش متغیر مستقل نهادهای مردمی و دولتی از این جهت مورد نظر بوده است تا مشخص شود اهالی چقدر به فعالیت این نهادها آگاهی دارند و آیا این نهادها چشم اندازی از نحوه عملکرد خود به اهالی داده‌اند؟ همچنین معلوم شود که آیا اهالی به این نهادها اعتماد دارند و قادرند بدون دلبهره و اضطراب با آنان به بحث و گفتگو بپردازند؟ آیا ارتباط این نهادها با تمام اقشار انجام می‌گیرد و یا فقط اقشار خاصی قدرت شرکت در جلسات مشورتی را دارند؟ آیا از منظر اهالی نظراتشان برای نهادهای دولتی از اهمیت برخوردار است؟ یا مشورت با آن‌ها فقط جنبه ابزاری دارد؟ اندازه‌گیری این موارد نیز توسط ۱۰ گویه پرسشنامه صورت گرفت. روایی پرسشنامه با تأمین نظر اساتید و صاحب‌نظران، همچنین حذف و اضافه کردن برخی گویه‌های دیگر، تأیید شد و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برابر ۰/۷۳ به دست آمد. ۳۵۰ پرسشنامه در محل‌های تجمع اهالی مانند مساجد، مغازه‌ها، باغات و مزارع آن‌ها، پخش و گردآوری گردید. نهایتاً ۳۳۰ پرسشنامه‌ای که کامل‌تر از بقیه بودند برای تجزیه و تحلیل داده‌ها مورد استفاده قرار گرفتند. برای تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی از روش وزن‌دهی (بدترین وضعیت امتیاز ۱ و بهترین وضعیت امتیاز ۴) استفاده شد (سرمد و همکاران، ۱۳۹۱) تجزیه و تحلیل داده‌ها با نرم‌افزار آماری SPSS16 در دو بخش توصیفی (میانگین، واریانس و انحراف معیار) و استنباطی (آزمون فرضیه، ساختن فواصل اطمینان، آزمون همبستگی پیرسون و ضرایب رگرسیونی) صورت گرفت. در این تحقیق چون حجم نمونه زیاد است، بنابر قضیه حد مرکزی می‌توان توزیع داده‌ها را نرمال در نظر گرفته و برای انجام فرضیات آماری از روش‌های آماری پارامتریک همانند همبستگی پیرسون و ضرایب رگرسیونی استفاده کرد. همبستگی را به طور معمول با تحلیل رگرسیون به کار می‌برند. و اگر هر دو متغیر در توزیع جامعه یا آماره دارای توزیع نرمال باشند از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. (آذر و مؤمنی، ۱۳۹۰). در این پژوهش نیز به دلیل این که متغیرها از نوع پیوسته بوده و روش تحقیق از نوع همبستگی می‌باشد از ضریب همبستگی پیرسون که دارای خطای معیار کمتری در مقایسه با سایر روشها است، استفاده می‌شود؛ بنابراین فرضیه تحقیق به این صورت تدوین شد: میزان مشارکت جامعه محلی در امر حفاظت از تالاب کانی‌برازان، با میزان فعالیت نهادهای دولتی و غیردولتی در این زمینه رابطه مستقیم داشته باشد. لذا فرض صفر و فرض مقابل به صورت زیر خواهند بود:

$$H_0: W=V$$

$$H_1: W \neq V$$

میزان مشارکت جامعه محلی = W ، فعالیت نهادهای مردمی و دولتی = (V)

نتایج

از میان ۳۳۰ نفر نمونه، از نظر جنسیت ۷۸٪ مرد و ۲۲٪ زن بودند. ۶۱٪ شرکت کنندگان متأهل و ۳۹٪ آنان مجرد بودند. از نظر میزان سواد ۵۳٪ افراد نمونه بیسواد یا زیر دیپلم و ۴۷٪ آنان دیپلم و بالاتر بوده‌اند. شغل افراد به گونه‌ای بوده‌است که ۱۱٪ آنان کشاورز، ۳٪ دامدار، ۳۰٪ هردوشغل دامداری و کشاورزی، ۳۳٪ افراد شغل آزاد یا سایر مشاغل داشته‌اند و ۲۳٪ افراد نیز اعلام کرده‌اند که بیکار می‌باشند.

جدول ۱: شاخص‌های مرکزی و پراکندگی متغیرها

متغیر	حجم نمونه معتبر	دامنه	میانگین	انحراف معیار	واریانس	چولگی	کشیدگی
نهادهای مردمی و دولتی	۳۳۰	۱۵/۰۰	۱۱/۸۲۲۶	۲/۲۷۱۲۶	۵/۱۵۹	۰/۰۷۷	۰/۱۶۵
مشارکت عملی	۳۳۰	۵/۰۰	۷/۴۶۴۸	۱/۵۳۸۲۱	۲/۳۶۶	۰/۰۴۹	-۰/۹۶۷
مشارکت ذهنی	۳۳۰	۲۵/۰۰	۲۶/۳۵۴۷	۳/۵۵۹۶۸	۱۲/۶۷۱	۰/۴۰۵	۱/۳۷۲

با توجه به جدول (۱) همه‌ی متغیرها در این پژوهش از چولگی مثبت و کم برخوردار بوده‌اند و چون چولگی و کشیدگی در بازه (۲ و -۲) قرار دارند نشان می‌دهد که توزیع متغیرها از کشیدگی نرمال برخوردار می‌باشد و اندازه آن‌ها به سمت مقادیر بالاتر گرایش دارد.

جدول ۲: نتایج ضریب همبستگی پیرسون در مورد فرضیه رابطه مشارکت با فعالیت نهادهای مردمی و دولتی

متغیر	سطح خطا	سطح معنی‌داری آزمون	ضریب همبستگی پیرسون	تایید فرضیه
مشارکت و فعالیت نهادهای مردمی	۰/۰۵	۰/۰۰۰	۰/۲۵	H ₀

با توجه به نتایج جدول (۲)، چون سطح معنی‌داری آزمون برابر ۰/۰۰۰ بوده و از ۰/۰۵ کوچک‌تر می‌باشد، بنابراین میزان مشارکت جامعه محلی در امر حفاظت از تالاب کانی برآزان، با میزان فعالیت نهادهای مردمی و دولتی در این زمینه رابطه‌ی مستقیم دارد و فرضیه تحقیق تأیید می‌شود (خاکی، ۱۳۸۹). به این معنی که با افزایش فعالیت نهادهای مردمی و دولتی، میزان مشارکت جامعه محلی در حفاظت از تالاب بالا خواهد رفت. این همبستگی، تنها نشان‌دهنده‌ی همسویی تغییرات این دو متغیر می‌باشد و دلیلی بر رابطه علت و معلولی آن‌ها نمی‌باشد.

جدول ۳: نتایج ضرایب رگرسیونی در مورد فرضیه رابطه مشارکت با فعالیت نهادهای مردمی و دولتی

متغیرها	سطح معنی‌داری آزمون	آماره دوربین واتسون	Sig. ANOVE	ضرایب رگرسیونی Beta	متغیر مستقل و عدد ثابت
مشارکت و فعالیت نهادهای مردمی و دولتی	۰/۰۵	۲/۰۲	۰/۰۰	۲۸/۵۴	عدد ثابت
				۰/۴۴	متغیر مستقل

با توجه به نتایج جدول (۳) آماره دوربین واتسون برابر ۲/۰۲ می‌باشد که در بازه ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد بنابراین خطاهای مدل همبسته نیستند، به عبارتی نیاز به تحلیل بیشتر نداریم و مدل خطی رگرسیون ارائه شده قابل قبول است. همچنین نتایج آزمون آنوا جدول (۳) که برای مقایسه میانگین چند گروه استفاده شده‌است، چون کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد علاوه بر تأیید فرضیه تحقیق، نشان دهنده‌ی قابلیت تعمیم داده‌ها و نرمال بودن جامعه است. معادله خط رگرسیون بصورت زیر می‌باشد:

$$\text{فعالیت نهادهای مردمی و دولتی} = ۰/۴۴ + ۲۸/۵۴ = \text{مشارکت}$$

بحث و نتیجه گیری

نتایج ضریب همبستگی پیرسون جدول (۲) و نیز نتایج ضرایب رگرسیونی جدول (۳) در مورد فرضیه پژوهش، نشان می‌دهند که میزان مشارکت جامعه محلی در امر حفاظت از تالاب کانی برازان، با میزان فعالیت نهادهای مردمی و دولتی در این زمینه رابطه مستقیم دارد. همچنین وزن به دست آمده بین مشارکت محلی و فعالیت نهادهای مردمی و دولتی بر اساس جدول (۲) برابر ۰/۲۵ می‌باشد. این عدد یعنی تأثیرات مستقیم دو متغیر بر همدیگر برابر ۲۵ درصد می‌باشد؛ یعنی می‌توان گفت که با تقویت نهادهای مردمی دخیل در امر حفاظت از تالاب و نیز اعتمادسازی در بین اهالی محل از یک سو و از سوی دیگر بین اهالی محل با نهادهای دولتی ذیربط، مشارکت جامعه محلی در حفاظت از تالاب افزایش خواهد یافت. نتایج حاصل از همبستگی پیرسون همچنین نشان می‌دهد که با افزایش مشارکت، اعتماد اهالی به نهادهای دولتی و مردمی ذیربط نیز افزایش خواهد یافت. این نتایج همسو است با یافته‌های تحقیقی Jerath و همکاران (۲۰۱۲) همچنین Olesu و Baid (۱۹۹۸) که نشان داده‌اند برای موفقیت در هر یک از مراحل حفاظت، مشارکت مردم محلی، سازمان‌های محلی مرتبط با تالاب‌ها و دولت ضروری است. این نتیجه همچنین مؤید یافته‌های Shresta (۲۰۱۱) است که در پژوهش خود به این نتیجه رسیده است که حفاظت جز با مشارکت جوامع محلی عملی نیست و اگر استفاده از جامعه محلی صرفاً در حد مشاوره ای باشد موفقیت چندانی برای طرح‌های توسعه‌ای پیش‌بینی نمی‌شود. عفتی (۱۳۷۱) نیز به این نتیجه رسیده بود که رابطه مستقیمی بین مشارکت و اعتماد به دولت و مجریان طرح‌ها وجود دارد. همچنین سپهرفر (۱۳۷۴) نیز به این نتیجه رسیده است که اعتماد بهره‌برداران به مجریان طرح و حمایت دولت باعث افزایش مشارکت بهره‌برداران از مراتع می‌شوند. جمشیدی و همکاران (۱۳۸۸) نیز در تحقیقی به این نتیجه رسیده‌اند که رابطه مثبت و معنی‌داری بین اعتماد مالکان به همدیگر و نیز اعتماد آن‌ها به دولت، با میزان مشارکتشان در طرح وجود دارد.

این نتایج همگی با پژوهش حاضر هم سو بوده و نشان می‌دهند که اعتماد اهالی به نهادهای مردمی و دولتی زمینه‌ساز مشارکت آن‌ها در پروژه‌های مختلف خواهد بود. تحلیل نتایج حاصل از این پژوهش و مقایسه تاریخ احداث ساختمان پرنده نگری در سال ۱۳۸۶ با شروع به کار دو تعاونی گردشگری و حفاظت از تالاب در سال ۱۳۸۹ نشان می‌دهد که بدون استفاده ماندن این ساختمان و کمپین‌های گردشگری، دلیلی بر پایین بودن سطح اعتماد جامعه محلی نهادهای دولتی به همدیگر می‌باشد بنابراین میزان مشارکت آن‌ها نیز برای حفاظت از تالاب پایین است. از طرفی چون ایجاد تعاونی‌های گردشگری دو روستا بانگیزه‌ی بیرونی و از بالا به پایین انجام گرفته است، این نهادهای مردمی فاقد قدرت ارتباطی بین جامعه محلی نهادهای دولتی می‌باشند، از این رو به نظر می‌رسد مشارکت جامعه محلی برای حفاظت از این تالاب حتی از جنبه ابزاری خود نیز تهی گشته باشد. بدون این که جامعه محلی چشم‌اندازی روشن از آینده داشته باشد، برگزاری نشست‌های مشورتی مکرر نمی‌تواند از صید و شکار بی‌رویه در تالاب جلوگیری نمایند. سازمان‌های مردمی و دولتی می‌توانند در به فعالیت رساندن توانمندی‌های بالقوه افراد و گروه‌ها و تجمیع نیروها برای توسعه محل نقش تسهیل‌گری داشته باشند، بدین معنی که این سازمان‌ها نقش روان‌سازی و هموارسازی مسیر پیشرفت را برای افراد و گروه‌هایی بازی می‌کنند که انگیزه پیشرفت و توسعه دارند. این سازمان‌ها همچنین می‌توانند فعالیت‌های محلی را به تلاش‌های توسعه ملی پیوند دهند و حرکت‌های عظیمی را که انجام آن‌ها به وسیله دولت میسر نیست، ممکن سازند. وجود سازمان‌های مردمی زمینه ارتباط بیشتر جامعه محلی با جوامع بیرونی را سبب می‌شود تا به این صورت امکان تبادل دانش و توسعه اطلاعات فراهم شود و زمینه افزایش خودباوری و اعتماد به نفس در مردم محلی شکل گیرد و هم‌سویی بین دولت و مردم تقویت گردد. (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶).

منابع

- آذر، ع. و مؤمنی، م.، ۱۳۹۰. آمار و کاربرد آن در مدیریت (جلد دوم)، تهران، انتشارات سمت، ۴۶۵ صفحه.
- ازکیا، م.، ایمانی، ع.، ۱۳۸۷. توسعه پایدار روستایی، تهران، انتشارات اطلاعات، ۴۵۲ صفحه.
- بهروزی راد، ب.، ۱۳۸۷. تالاب‌های ایران، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۷۹۸ صفحه.
- بهروزی راد، ب.، ۱۳۹۰. مدیریت تالاب‌ها، خوزستان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات خوزستان، ۳۰۹ صفحه.
- جمشیدی، ع.، تیموری، م.، حاضری، م.، روستا، ک.، ۱۳۸۸. عوامل مؤثر بر مشارکت کشاورزان در اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی استان ایلام: مطالعه موردی شهرستان شیروان و چرداول، فصلنامه روستا و توسعه، شماره ۴۵، صص ۱۰۹-۱۲۷.
- خاکی، غ.، ۱۳۸۹. روش تحقیق با رویکردی به پایان نامه نویسی، تهران، انتشارات بازتاب، ۴۴۱ صفحه.
- زندرضوی، س.، ۱۳۸۹. جامعه‌شناسی و بحران منابع طبیعی تجدیدشونده در ایران، تهران، نشر قطره، ۳۶۴ صفحه.
- سازمان حفاظت محیط زیست، ۱۳۸۷. جلب مشارکت مردم در مدیریت محیط زیست، شماره ۱۰، تهران، مؤلف، ۱۷ صفحه.
- سپهرفر، ک.، ۱۳۷۴. عوامل مؤثر مشارکت در احیاء مراتع منطقه پایتخت گلزار شهرستان اندیمشک استان خوزستان، تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد جنگلداری و مرتعداری، دانشگاه تربیت مدرس تهران، ۱۴۷ صفحه.
- سرمد، ز.، بازرگان، ع.، حجازی، ا.، ۱۳۹۱. روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران، نشر آگه، ۴۰۵ صفحه.
- عفتی، م.، ۱۳۷۱. بررسی عوامل مؤثر در مشارکت روستاییان در طرح‌های توسعه روستایی، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی تهران، ۲۳۷ صفحه.
- غفاری، غ.، نیازی، م.، ۱۳۸۶. جامعه‌شناسی مشارکت، تهران، نشر نزدیک، ۲۹۴ صفحه.
- مجنونیان، ه.، دانش، م.، غبرایی، ه.، میراب‌زاده، پ.، ۱۳۸۷. حفاظت محیط زیست کوهستان، تهران، انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست، ۳۵۲ صفحه.
- نوری نشاط، س.، ۱۳۸۹. پژوهش محلی و برنامه‌ریزی برای حفظ محیط زیست و منابع طبیعی، تهران، نشر برگ زیتون، ۱۶۱ صفحه.
- وزارت نیرو (بهمکاری مهندسين مشاور پندام)، ۱۳۸۴. مدیریت جامع منابع آب حوضه آبریز دریاچه ارومیه (آب برای بوم‌سازگان، تالاب کانی‌برازان)، تهران، مؤلف، ۴۳ صفحه.
- Jerath, N., Ladhar, S.S., Saxena, S.K. and Sharma, J., 2012.** Enhancing community participation for conservation of wetlands, From: <http://wldb.ilec.or.jp/data/ilec/WLC13papers/others/29.pdf>. Time: 1:42p.m, Date: 29/07/2012.
- Olesu, I. B. and Baidu, Y. N., 1998.** THE PARTICIPATION OF LOCAL COMMUNITIES IN THE CONSERVATION OF WETLANDS RESOURCES IN GHANA: THE CASE OF MARINE TURTLE CONSERVATION, From: <http://srdis.ciesincolumbia.edu/cases/Ghana-005.html>. Time: 15:00, Date: 2012/07/29 .
- Shrestha, U., 2011.** COMMUNITY PARTICIPATION IN WETLAND CONSERVATION IN NEPAL, The Journal of Agriculture and Environment. Kathmandu, Nepal 12. 140-147.